

مردان مسلح در نقش مأمور وزارت اطلاعات آدم‌ربایی کردند

تله شیطانی ۲ مرد برای جوان پولدار تهرانی

پسر جوان تهرانی وقتی برای خرید نوروژی از خانه بیرون می‌رفت، فکورش را هم نمی‌کرد اسیر آدم‌ربایان سریالی شود و خودرویش را از دست بدهد. «دیگر به ماشین فکر هم نمی‌کردم! همه هوش و حواسم پیش علی بود، با فکر اینکه تکند بلائی سر او آمده باشد پند دلم پاره می‌شد.»

این اولین صحبت‌های پداری است که پسر جوانش طعمه آدم‌ربایان زورگیر شده است. پدر علی که برای ثبت شکایت فرزندش همراه او به شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران آمده است در ادامه به خبرنگار «ایران» می‌گوید: «۸ فروردین بود که پسرم برای خرید از خانه بیرون رفت، ساعتی بعد با همسر

روز بعد از ریودن علی دستگیر شده و مشخص شد آنها با شیوه و شگرد مشابه اقدام به آدم‌ربایی و سرقت می‌کردند. سمت کلاتری نیلوفر راه افتاد، در تمام راه فقط دعا می‌کردم که اتفاقی برای علی نیفتاده باشد، پله‌ها را دو تا یکی بالا رفتم و وقتی چشمم به پسرم افتاد انگار تمام دنیا را به من داده بودند. آن لحظه دیگر به ریوده شدن خودروی صفر کیلومتری که برای او خریدم بود، فکر نمی‌کردم.»

آدم‌ربایان زورگیر، علی ۱۸ ساله را ریوده و پس از سرقت خودروی پژو ۲۰۶ او، در خیابان رهایش کرده بودند. رسیدگی به این پرونده در شعبه هفتم دادسرای جنایی در حالی ادامه دارد که متهمان

امام خمینی رفته بودم. ایام عید بود و وقت بازی و تفریح داشتم. می‌خواستیم سریع خرید کنیم و به خانه برگردیم. پشت فرمان بودم و با سرعت کم می‌راندم تا جایی پارک کنم که دو نفر سمتم آمدند. خودشان را به من مأمور وزارت اطلاعات معرفی کردند. آنها در ابتدا طوری وانمود کردند که به من مشکوک شده‌اند.

مثلا چه گفتند که باور کردی به تو شک دارند؟ می‌گفتند از صندوق عقب ماشین صیدا می‌آید و تکان می‌خورد! من برایشان توضیح دادم که چون سیستم بسته‌ام اینطور فکر می‌کنید، اما گفتند باید با آنها همکاری کنم و داخل ماشینم نشستند. وی از من خواستند حرکت کنم.

آدم‌ربایان زورگیری و آدم‌ربایی را در گفت‌وگو علی با خبرنگار «ایران» بخوانید:

قصاص این مرد قطعی شد

اعتراف به قتل در پرونده‌ای بدون جسد

اعتراف به قتل دخترعمو

این مرد در بازجویی‌های بعدی به اختلاف با فرناز و قتل وی اعتراف کرد. وی در تشریح جزئیات قتل گفت: آن روز به همراه فرناز برای تفریح به رودزن رفته بودیم، اما آنجا با هم درگیر شدیم و من در اوج عصبانیت او را کتسم سپس جسد او را مثله کردم و در چند سطل زباله انداختم. با اعترافات این مرد، تلاش برای یافتن ردی از جسد آغاز شد، اما پلیس به نتیجه‌ای نرسید.

جسدی که هرگز کشف نشد

در حالی که پلیس نتوانسته بود بقایای جسد را کشف کند، برای داوود کیفرخواست صادر شد و وی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد اما این بار ادعای جدیدی را مطرح کرد. در ابتدای جلسه، وکیل اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کرد و گفت: پدر و مادر فرناز در دادگاه حاضر نشده‌اند، اما تقاضای قصاص قصاب دارند.

میثاق قتل در دادگاه

متهم گفت: من نظامی بودم و زن و بچه داشتم، اما به پیشنهاد فرناز او را صیغه کردم. ما ۱۰ سال با هم زندگی پنهانی

داشتم و من به خانه مجردی او رفتم و آمد می‌کردم. به او علاقه‌مند بودم و هیچ مشکلی با هم نداشتم. من تحت فشار در پلیس آگاهی به قتل اعتراف کردم، اما حالا حقیقت را می‌گویم. من عاشق دخترعموم بودم و هرگز با او درگیر نشده‌ام. من فقط برای اینکه از فشار پلیس آگاهی رهایی یابم به قتل اعتراف کردم. حالا مطمئن هستم فرناز زنده است و زندگی مخفیانه‌ای در پیش گرفته است.

وی درباره جزئیات زندگی‌اش گفت: من به عنوان شغل دوم با ماشین کار می‌کردم. تا سوم راهنمایی بیشتر درس نخوانده بودم، اما از وقتی فرناز را صیغه کردم، او تشویق کرد درس را ادامه بدهم. من هم در این مدت درس خواندم و لیسانس حقوق گرفتم. او هم مشغول گرفتن پایان‌نامه فوق لیسانسش بود. می‌گفت مسکن مهری را که در بومهن دارم بفروشم تا باهم دفتر وکالت بزینم و آنجا کار کنیم. او همیشه مشغول کار بود اما یکبار ناپدید شد.

متهم ادامه داد: باور کنید ما رابطه خوبی با هم داشتیم. مدام با هم به سفر می‌رفتم و مکمل یکدیگر بودیم. من همه خریدهای فرناز را برایش انجام می‌دادم. باور کنید من بیمار هستم و در اداره آگاهی دیگر تحمل شکنجه‌ها را نداشتم. به همین خاطر برای اینکه از شرایط سخت خلاص شوم به قتل اعتراف کردم.

از آنها تقاضا نکردی به تو کارت شناسایی نشان دهند؟

قبیل از اینکه از آنها چنین درخواستی داشته باشم، خودشان کارت شناسایی قلابی به من نشان دادند، بعد که در ماشینم نشستند شوکر و کلت کمری به من نشان دادند. وقتی چشمم به کلت افتاد قفل کردم! به من گفتند راه بپوش و من هر کاری می‌گفتند انجام می‌دادم. کمی که در مسیر پیش خودشان هم دیگر سعی نمی‌کردند نقش بازی کنند.

بعد از ریودنت، تو را کجا بردند؟

من را تا سیدخندان بردند و بعد گفتند پیاده شوم.

حوادث کوتاه

بازداشت عامل شهادت شهید جعفری فر پس از ۱۶ سال در خوزستان

عامل شهادت شهید جعفری فر پس از ۱۶ سال در عملیات پلیسی دستگیر شد. به گزارش رکتا، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان حمیدیه استان خوزستان گفت: در پی وقوع ۱۸ فقره که منجر به مجروح شدن ۳ نفر از شهروندان و همچنین تخریب اموال دولتی و ایجاد رعب و وحشت در شهرستان حمیدیه شده بود، پرونده قضایی در شعبه اول بازپرسی تشکیل و دستورات مقتضی برای شناسایی و دستگیری عامل اصلی این اتفاقات صادر شد. مأموران پلیس با رصد اطلاعاتی، در نهایت توانستند متهم اصلی را که دارای چندین فقره سابقه کیفری بود شناسایی و در مخفیگاه خود دستگیر کنند. متهم سابقه ارتکاب شرارت‌های متعدد طی سال‌های اخیر از جمله به شهادت رساندن مأمور نیروی انتظامی (شهیداکبر جعفری‌فر) در سال ۱۳۸۶ در شهرستان اهواز و همچنین آدم‌ربایی و سرقت مسلحانه، تیراندازی‌های متعدد که منتهی به خسارت به افراد و اموال دولتی شده و نیز قدرت‌نمایی با سلاح را در پرونده کیفری خود دارد.

مرگ پسر ۱۸ ساله در سقوط تیر دروازه فوتبال

روز جمعه یک جوان ۱۸ ساله به نام پویا بر اثر سقوط تیرک دروازه زمین چمن فوتبال محله سبزدشت از ناحیه سردچار ضربه مغزی شد و در دم جان سپرد. «دزی» که به‌صورت موقت مدیریت زمین چمن فوتبال محله سبزدشت را به عهده دارد، درباره این حادثه می‌گوید: متأسفانه این اتفاق ساعت ۸:۲۰ عصر روز جمعه پس از پایان تمرین یکی از تیم‌ها یعنی بعد از تعطیلی زمین چمن اتفاق افتاده است. این مریبی فوتبال با اشاره به اینکه بعد از تعطیلی این زمین چمن عده‌ای از بالای زرده‌ها وارد زمین چمن می‌شوند، افزود: یکی از آنها که حدود ۱۸ سال سن داشت متأسفانه هنگام حرکات نمایشی و زدن باریکس به دلیل نداشتن تعادل لازم تیر دروازه، سقوط کرد و باعث این حادثه غم‌انگیز شد.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا تیرک‌های دروازه این زمین بازی در وضعیت استاندارد و ایمن بوده یا خیر، گفت: اصولاً تیرک‌های دروازه زمین‌های فوتبال فقط روی زمین مهر می‌شوند و زمین‌های فوتسال متحرک هستند. به گزارش پیام گلستان چند سال پیش در شهرستان اقلید هم یک فوتبالیست که از روی تیر دروازه سقوط کرده بود، جان سپرد و ورزشکار دیگری در شهرستان نورآباد ممسنی هم همین اتفاق برایش رخ داد و جانش را از دست و دانش‌آموز کلاس هفتمی استان فارس هم هنگام زدن باریکس از روی تیر دروازه سقوط کرد و جان سپرد.

لنگه کفش؛ تنها سرخ از سرنوشت پیرمرد گمشده

بعد از گذشت ۲ ماه از ناپدید شدن نهمین پیریک شرکت نفتی، لنگه کفش او را ز به قتل رسیدنش را فاش کرد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۸ بهمن ماه سال گذشته رسیدگی به پرونده فقدان نهمین پیریک شرکت نفتی واقع در محله ایوانک در دستور کار مأموران اداره چهارم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. همسر این مرد در اعلام گم شدن همسرش گفته بود که پیرمرد هر روز از خانه‌شان واقع در مرزداران به محل کار می‌رفت. به این ترتیب مسیر تردد مرد گمشده از مرزداران تا ایوانک تحت بررسی قرار گرفت تا اینکه لنگه کفش او در نزدیکی یک پارک پیدا شد. در جریان تحقیقات، کارآگاهان پلیس به یک مرد ضایعات جمع‌کن که حوالی پارک برسه می‌زد، برخورد کردند و یک موادفروش همراه یک جوان او را از ابتدا اظهار بی‌اطلاعی کرد. اما بعد از چند روز جسد پیرمرد در حاشیه اتوبان آزادگان کشف شد و در تحقیقات مجدد وقتی مرد ضایعات جمع‌کن متوجه عمق جنایت شد به مأموران گفت، این پیرمرد را در حالی دیده که یک موادفروش همراه یک جوان او را از کنار پارک به خودروی پژوی خود منتقل کرده و ریودند. در همان حال لنگه کفش او را پایش افتاد. به اطلاعات این مرد، یکی از متهمان بازداشت شد و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.



دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و قضات عالی‌رتبه بعد از بررسی موشکافانه پرونده، حکم قصاص داوود را تأیید کردند. به این ترتیب وی در لیست سیاه اعدام قرار گرفت.

و من بی دلیل بازداشت شده‌ام.

حکم قطعی قصاص با پایان دفاعیات متهم، قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده داوود را به قصاص محکوم کردند. با اعتراض وی به حکم صادره، پرونده در

دردسر عجیب مرگ ناگهانی پسر جوان برای خواهر و دامادشان

مرد جوان ۴ روز بعد از درگیری با خواهر و دامادشان به کام مرگ فرورفت و پرونده‌ای جنایی پیش روی بازپرس قرار داد! به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، در روزهای تکاپوی نوروز وقتی عطر شب بو و نقل بیدمشک در خانه‌شان پیچید، دعوای خواهر و برادری بالا گرفت و خلق همه را تنگ و کاهشان را تلخ کرد. اما وقتی چند روز بعد از این درگیری مرد جوان ۳۷ ساله به کام مرگ فرورفت، شوکر و ناباوری بر هر خشم و ناراحتی آنها اضافه شد. فرم درودین امسال مادر خانواده با اعلام شکایت از داماد خود تقاضای رسیدگی به مرگ مشکوک پسرش در خانه‌شان واقع در محله اتابک کرد. به این ترتیب رسیدگی به موضوع در دستور کار محمد وهابی بازپرس کتشیکی قتل پایتخت قرار گرفت و دستور بازداشت داماد خانواده صادر شد. در حالی که شاکتی احتمال می‌داد پسرش در اثر ضربه چماق جان باخته باشد، تحقیقات تیم جنایی وی پرونده آغاز و داماد خانواده به عنوان متهم بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. در حالی که بررسی‌ها نشان می‌داد پسر جوان ۴ روز بعد از درگیری با خواهر و داماد خود جان باخته است، بازپرس پرونده دستور آزادی متهم را قرار وثیقه را صادر کرد تا نتیجه معاینه پزشکی قانونی مشخص شود.

ماجرای درگیری شما با برادرزن چه بود؟ روز حادثه ما در خانه مادر خانم بودیم که خانم با برادرش جر و بحث‌شان شد. وقتی دعوا بالا گرفت دیدم که برادرزنم به سمت خانم رفت و من برای اینکه روی همسرم دست بلند نکند سمتش رفتم تا جلوی او را بگیرم. او خیلی عصبانی بود و با من درگیر شد.

درگیری همسرت و برادرش به چه دلیل بود و چرا دعوا بالا گرفت؟ گوشه همسرم در خانه مادرش ناگهان ناپدید شد! برادرزنم سابقه دستبرد به وسایل ما و حتی وسایل مادرش را داشت. برای همین همسرم به او گفت که شوخی را بدهد او هم ناراحت شد و کار به پرخاشگری و درگیری رسید.

در جریان درگیری به او ضربه زدی؟ من می‌خواستیم از خانه بیرون بروم. چون هر دویمان پشتت عصبانی بودیم اما او با یک چوب دنبالم آمد و در کوچه دوباره با هم درگیر شدیم. من چوب را از او گرفتم و چند ضربه به پای او زدم اما ضربه به سرش ن‌زدم.

وقتی متوجه شدید که فوت کرده احتمال ندادید شاید به خاطر درگیری باشد؟ نه اصلاً! چون چهار روز بعد از درگیری با من نبود و من و همسرم حتی در مراسم ترحیم او هم شرکت کردیم. برادرزنم اعتیاد داشت. ۱۵ سالی می‌شد که مصرف‌کننده مواد مخدر بود. فکرمی‌کردم شاید به همین دلیل باشد.

قربانیان این شیطان صفت به پلیس مراجعه کنند

اعتراف شیطان به شکار ۶ زن در پراید نوک مدادی



راننده شیطان صفت که با سوار کردن زنان مسافر در محدوده غرب استان تهران، آنها را ریوده و هدف نیت شوم خود قرار می‌داد با تلاش کارآگاهان جنایی شهریار به دام افتاد. سرهنگ فضل‌الله سواری‌پور رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار «ایران» گفت: رسیدگی به این پرونده از یک ماه پیش به دنبال شکایت تعدادی از قربانیان زن از یک مرد شیطان صفت و مراجعه آنها به اداره پلیس شروع شد.

شاکیان پرونده که چند زن بودند مدعی شدند وقتی از محدوده شهریار به عنوان مسافر سوار خودروی پراید نوک مدادی رنگ شدند توسط راننده شیطان صفت ریوده شده و مورد تجاوز قرار گرفتند. به دنبال این شکایات، تیم ویژه‌ای از کارآگاهان در دایره جنایی شهریار تشکیل شد. مأموران با توجه به شکایات و تحقیقات میدانی و سرخ‌های به دست آمده از قربانیان این اقدام شیطانی، موفق شدند با مراجعه به آلبوم مجرمان سابقه‌دار و استفاده از چهره‌نگاری به کمک شاکیان پرونده، مرد شیطان صفت را شناسایی و در عملیات غافلگیرانه دستگیر کنند. سرهنگ سواری‌پور ادامه داد: مرد شیطان صفت پس از دستگیری و در بازجویی‌های ابتدایی به ۶ فقره سرقت و تجاوز

اعتراف کرده است. وی افزود: تعدادی از قربانیان در ادامه اظهارات خود، به تهدید متهم اظهار کردند که آنها را با قمه ترسانده و تهدید کرده بود اگر به پلیس اطلاع دهند روزگار بدی در انتظارشان خواهد بود. سرهنگ سواری‌پور گفت: بازجویی از متهم ۲۹ ساله توسط کارآگاهان ادامه دارد. وی به سابقه سرقت‌های این راننده شیطان صفت اشاره کرد و اظهار داشت: متهم یک سال پیش به خاطر سرقت همراه با آزار و اذیت در زندان بود که پس از آزادی در پرونده دیگری مرتکب زورگیری شده است. یکی از قربانیان این راننده پلید به کارآگاهان گفت که از شهریار به محدوده ملارد سوار خودروی خودم، چند دقیقه بعد راننده از جیبش چاقو درآورد و در